



۱ فروردین ۱۳۹۴ - ۱۳:۳۹

موسویان: احتمال توافق هسته‌ای زیاد است

دکتر سید حسین موسویان، عضو ارشد تیم پیشین مذاکره کننده هسته ای کشورمان می گوید: اگر مذاکرات هسته ای در روزهای آینده به نتیجه برسد، می تواند زمینه ای برای تشکیل چارچوب همکاریهای امنیتی میان ایران و قدرتهای جهانی به خصوص با آمریکا باشد.

دکتر سید حسین موسویان، عضو ارشد تیم پیشین مذاکره کننده هسته ای کشورمان در مقاله ای که به تازگی برای روزنامه اسپانیایی ال پائیس نوشته، به تشریح هزینه های اقتصادی آمریکا برای تحریم ایران در یک دهه اخیر و همچنین زمینه های همکاری میان دو کشور پرداخته است. در ادامه ترجمه بخش هایی از این مقاله را می خوانید:

آخرین دور مذاکرات میان ایران و 5 قدرت جهانی (چین، فرانسه، آلمان، روسیه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا) در حال حاضر در لوزان سوئیس به منظور دستیابی به چارچوبی برای توافق سیاسی تا مهلت زمانی پایان مارس در جریان است. توافق هسته ای به شکل عجیبی، در سال 2005 زمانی که قدرتهای اروپایی (اعم از انگلستان، فرانسه و آلمان) با ایران در حال مذاکره بودند، وارد بن بست شده بود.

متأسفانه دولت بوش، براساس این محاسبه اشتباه که تحریمهای بیشتر، ایران را مجبور به رها کردن فعالیتهای هسته ای می کند، توافق را بلوکه کرد. سیاست آمریکا در راستای اعمال تحریم های یکجانبه و چندجانبه برای توقف برنامه هسته ای ایران به طورکامل نتیجه معکوس داشت. از زمان تصویب اولین تحریم شورای امنیت سازمان ملل در سال 2006، تعداد سانتریفیوژهای جدید از 200 به 2000 عدد امروز رسید که اورانیوم های بیشتری تولید می کنند و میزان غنی سازی آنها از 3.5 درصد به 20% رسیده است. امروز حجم اورانیوم های غنی شده با درصد پایین به بیش از دهها تن در انبارها می رسد. امروز رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک کمتر از یک سال است که فعالیت خود را آغاز کرده است.

سرانجام پس از سالها، آمریکا به این نتیجه رسید که دولت ایران به رغم تحریم، قصد ندارد برنامه غنی سازی اورانیوم را رها کند. درک این مسئله به محرکی برای هموار کردن مسیر در راستای توافق اولیه در 24 نوامبر 2013 شد. با توجه به سیاستهای شکست خورده گذشته آمریکا در دور قبلی مذاکرات، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا صراحتاً اعلام کرد: "در سالهای گذشته که سیاست آمریکا مذاکره نکردن با ایران و تأکید بر پایان برنامه هسته ای بود، نتیجه آن رشد برق آسای تعداد سانتریفیوژهای ایران بود. هر زمان که مذاکرات با ایران به بن بست برخورد می کند، برنامه هسته ای این کشور پیشرفت می کند".

شکی نیست که تحریم ها علیه ایران، ضربه سختی به اقتصاد این کشور وارد کرد، اما این مسئله در حالی است که درباره خسارات متحمل شده از سوی آمریکا برای اعمال این تحریمها چیز زیادی منعکس نمی شود. در گزارشی که در سال 2014 منتشر شد، آمده است که اقتصاد آمریکا بین سالهای 1995 و 2012 بین 134.7 میلیارد دلار و 175.3 میلیارد دلار با احتساب صادرات بالقوه به ایران از دست داده است. گزارش مذکور همچنین اینگونه نتیجه گیری می کند که آمریکا سالانه بین 51.043 تا 66.436 فرصت شغلی را به دلیل تحریم ایران از دست می دهد.

اما آنچه که باید بر آن تأکید کرد اینست که در کنار اینها ایران می توانست نقش مهمی در کاهش هزینه های نظامی آمریکا و سرمایه گذاری فوق العاده ای که برای به حاشیه راندن این کشور در منطقه صورت گرفت، داشته باشد.

همانگونه که در کتابم - "ایران و آمریکا، گذشته شکست خورده و مسیر صلح"- نیز به این مسئله اشاره کردم، ایران و آمریکا در

سرنگونی طالبان در افغانستان در سال 2001 و صدام حسین در سال 2003 با یکدیگر همکاری کردند. نتیجه این همکاری، به تأسیس موفق دولتهای جدید در کابل و بغداد شد. قطع همکاری آمریکا با ایران در مدیریت بحران در این دو کشور، منجر به صرف میلیاردها دلار هزینه و کشته شدن چندین هزار نفر در دو کشور عراق و افغانستان شد؛ آنهم در حالی که وضعیت آنها هنوز بحرانی است. در صورتی که آمریکا به همکاری خود با ایران ادامه می‌داد، این مسئله می‌توانست منجر به کاهش هزینه‌ها و حضور نظامی آمریکا در منطقه شده و به جای اختصاص هزینه‌های نجومی در بودجه آمریکا، زمینه بازسازی کشور و تأسیس ارتش و نیروهای امنیتی در این دو کشور را فراهم کند و احتمالاً این همکاری می‌توانست از بروز فجایعی که امروز در عراق شاهد آنیم، جلوگیری کند. طبق تحقیقی که به تازگی از سوی دانشگاه هاروارد صورت گرفته، بحران عراق و افغانستان، برای ایالات متحده آمریکا نزدیک به 4.6 میلیارد دلار هزینه داشته است و از دهه‌ها قبل، دولتها را مجبور به اختصاص بودجه برای آن کرده است.

آمریکا نه تنها همه تلاشش را برای به حاشیه راندن ایران در این دو کشور صورت داد، بلکه ایران همواره تحت تهدید دائمی آمریکا برای حمله نظامی بوده است. آنهایی که تحولات بازار نفت بین سالهای 2003 و 2005 را دنبال می‌کردند، به یاد دارند که هر شایعه حمله احتمالی آمریکا به ایران و وقوع جنگی بزرگتر در خاورمیانه، تا چه اندازه قیمت نفت را به اوج می‌رساند. و جالب است که جوزف استیگ لیتس و لیندا بیللمس، دو اقتصاددانان برجسته، نیز بر این مسئله تأکید کرده‌اند که جنگ عراق و ناامنی‌ای که متعاقب آن در منطقه گسترش یافت، دلیل اصلی افزایش قیمت نفت بود. این دو اقتصاددان حتی بر این باورند که بروز بحران اقتصادی سال 2008 نیز تا اندازه زیاد متأثر از افزایش قیمت نفت بود.

آمریکا برای به زانو درآوردن ایران در سوریه- عمق استراتژیک این کشور- خودش و متحدانش را به جنگ نیابتی با ایران دعوت کرد و زمانی که ایران مقاومت کرد، آمریکایی‌ها هزینه بیشتری برای سرنگونی بشار اسد پرداختند و پس از مدتی سکوت پیشه کردند؛ در حالیکه ترکیه، عربستان سعودی و قطر همچنان از تندروها حمایت می‌کنند. پولهایی که آمریکایی‌ها در سوریه خرج کردند؛ هنوز دقیق و مشخص نیست. اما تنها در 26 ژوئن 2014 پرزیدنت اوباما، 200 میلیون دلار برای حمایت از شورشیان سوری از کنگره درخواست کرد. از سویی وی 1 میلیارد دلار برای کمک به کشورهای که از جنگ سوریه خسارت دیده بودند، از کنگره درخواست نمود. بدین ترتیب با قدرت یافتن آنها، ظهور دولت افراط‌گرایان در عراق میسر شد و امروز ما تنها با یک گروه تروریستی ساده روبرو نیستیم. گروههای خطرناک جهادی بدین ترتیب توانسته‌اند با گرفتن یک سوم از عراق در شمال و غرب، دولت و خلیفه خودشان را از ماه ژوئن سال گذشته داشته باشند.

اگر آمریکا به جای رقابت با ایران، با این کشور همکاری کرده بود، با قاطعیت می‌توانیم بگوئیم که سوریه و عراق امروز در چنین وضعیتی نبودند.

لذا می‌توان گفت همکاری ایران و آمریکا در سه زمینه ضروری به نظر می‌رسد:

اول، دو کشور باید سیستم اطلاعاتی موثری را برای شناسایی و دنبال کردن گروههای جهادی و ریشه‌های آن پیدا کنند.

دوم اینکه ایران و آمریکا می‌توانند برای ساختن ارتشی متعهد و موثر در عراق با هم همکاری کنند؛ نه ارتشی با 250.000 گروهان که در مقابل شمار محدودی از تروریستها سلاح‌شان را زمین بگذارند و فرار کنند.

و در نهایت اینکه با توان بالای ایران و منابع انسانی ماهر این کشور و با حمایت‌های مالی آمریکا، دو کشور به ساختن زیرساختهای افغانستان، سوریه و عراق بپردازند.

تلاش برای یافتن راه حلی برای مناقشه هسته‌ای میان ایران و آمریکا می‌تواند دو کشور را در مسیر همکاری برای مقابله با نیروهای تکفیری- که امنیت هر دو کشور را تهدید می‌کند- قرار دهد. با وارد شدن به فاز نهایی مذاکرات هسته‌ای ، احتمال زیادی هست که توافق هسته‌ای در روزهای آینده منعقد شود و متعاقباً توافق سازنده تا اول جولای 2015 نهایی شود. زمانی که مذاکرات هسته‌ای به نتیجه برسد، می‌تواند هموارکننده مسیر برای تشکیل چارچوب همکاریهای امنیتی میان ایران و قدرتهای جهانی به خصوص با آمریکا باشد، همکاری‌ای که می‌تواند زمینه حل بحران‌ای منطقه‌ای و همچنین مبارزه با داعش باشد.

بستن این پنجره